

: نویسنده : اناتول لیبن (Anatol Lieven)
منبع و تاریخ نشر : ریسپونسیبل ستیت گرفت (2024-09-05)
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



چه زمانی جنگ در اوکراین پایان می یابد

When will the war in Ukraine end?

یک ماه بعد، تهاجم کیف به روسیه سوزن را تکان نداده است،
در حالی که مسکو در جبهه های دیگر دستاوردهایی به دست
آورده است

*One month later, Kyiv's invasion of Russia hasn't moved the
needle, while Moscow has made gains on other fronts*

برخی از حامیان غربی اوکراین، تهاجم اوکراین به استان کورسک روسیه را به عنوان
یک پیروزی بزرگ معرفی می کنند از اینکه مسیر و نتیجه جنگ را به طور قابل توجهی
تغییر می دهد. اما خودشان را گول می زنند. اگرچه این حمله از نظر قانونی و اخلاقی موجه
است، اما در تمام اهداف اصلی خود شکست خورده است و ممکن است در واقع آسیب
جدی به موقعیت اوکراین در میدان نبرد وارد کرده باشد. یکی از تحلیلگران آمریکایی آن

را با تهاجم کنفدراسیون به شمال که منجر به نبرد گتیسبورگ شد مقایسه کرده است - یک ضربه تاکتیکی درخشان که با این حال به خساراتی ختم شد که ارتش ویرجینیای شمالی را فلج کرد.

حمله اوکراین هیچ مرکز مهم جمعیتی روسیه یا مرکز حمل و نقل آن کشور را تصرف نکرده است. ممکن که پوتین را شرمند کرده است، اما شواهدی وجود ندارد که به طور قابل توجهی قدرت او یعنی پوتین را در روسیه متزلزل کرده باشد. ممکن است که این حمله کاری برای بالا بردن روحیه مردم اوکراین به طور کلی انجام داده باشد. اما، همانطور که گزارش‌های غربی از شرق اوکراین نشان می‌دهد، هیچ کاری برای بالا بردن روحیه نیروهای اوکراینی در آنجا انجام نداده است.

قابل درک است که آنها خود روی وضعیت در جبهه خودشان متمرکز هستند. و این وضعیت به شدت رو به وخامت است، تا حدی به نظر می‌رسد به این دلیل که بسیاری از بهترین یگان‌های اوکراین به سمت حمله به کورسک منحرف شدند و سر بازان جدید اوکراینی آموزش ناکافی و انگیزه ضعیفی دارند.

ژنرال الکساندر سیرسکی، فرمانده کل اوکراین گفت: «یکی از اهداف عملیات تهاجمی در جهت کورسک، منحرف کردن نیروهای قابل توجه دشمن از جهات دیگر، در درجه اول از جهت‌های پوکروفسک و کوراخوف بود.

در واقع به نظر می‌رسد که دقیقاً برعکس این اتفاق افتاده است. و این منجر به انتقاد شدید سربازان و شهروندان از رئیس جمهور زلنسکی تا فرماندهی عالی اوکراین می‌شود.

ارتش روسیه به سرعت در حال پیشروی به سمت مرکز لجستیکی کلیدی اوکراین در پوکروفسک است. به قول یکی از مدافعان اوکراینی: "برای مدت طولانی، وضعیت دونباس به درستی به عنوان "مشکل، اما کنترل شده" توصیف می‌شد. اما اکنون از کنترل خارج شده است. در حال حاضر، به نظر می‌رسد که جبهه ما در دونباس فرو ریخته است.

اگر پوکروفسک سقوط کند یا زمانی که پوکروفسک سقوط کند، به این معنی است که روسیه تقریباً تمام جنوب دونباس را کنترل میکند و می‌تواند به شمال، علیه مواضع باقیمانده اوکراین در شمال استان دونتسک، یا به شرق، با هدف جمع کردن کل جبهه جنوبی اوکراین حمله کند.

اکنون هیچ چشم‌اندازی وجود ندارد که حتی با وجود تدارکات نظامی غرب، اوکراین بتواند شکست سختی را به روسیه وارد کند و سرزمین‌های از دست رفته خود را با زور باز پس گیرد. خطر فروپاشی نظامی اوکراین وجود دارد که ممکن است به فشار در غرب برای مداخله مستقیم منجر شود. این چیزی است که دولت روسیه با تغییر دکترین هسته‌ای خود قصد دارد از آن جلوگیری کند.

دکترین هسته‌ای کنونی روسیه بیان می‌کند که سلاح‌های هسته‌ای در پاسخ به حمله هسته‌ای به روسیه، یا حمله متعارفی که «موجودیت دولت را تهدید می‌کند» استفاده خواهد شد. به گفته سرگئی ریابکوف معاون وزیر امور خارجه روسیه :

نیت یا قصد روشنی برای اصلاح [دکترین هسته‌ای] وجود دارد که از جمله با بررسی و تحلیل تحولات درگیری‌های اخیر، از جمله، البته، هر چیزی که به تشدید تنش‌های دشمنان غربی ما مرتبط است، ناشی می‌شود. البته در رابطه با عملیات ویژه نظامی.

اگر مداخله مستقیم ناتو در اوکراین منجر به شکست روسیه در آنجا شود، مطمئناً بقای دولت کنونی؛ ممکن که روسیه را تهدید کند و یا دوره‌ای از بی‌ثباتی و ضعف عمیق ملی را آغاز خواهد کرد، که حتی می‌تواند به تجزیه فدراسیون روسیه منجر شود. اما در اینجا دلیل کمی از شک و شبیه وجود دارد و آن اینکه روسیه در مواجهه با این تهدید، ناگزیراً این کشور یا روسیه واقعاً به سمت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای گرایش پیدا می‌کند، البته در ابتدا فقط در مقیاسی محدود و محلی.

منظور از بیانیه ریابکوف نیز این است که ایالات متحده و ناتو را از تعظیم در برابر فشارهای کیف و برخی از دولت‌ها و سیاستمداران **نا تو** بازدارد و به اوکراین اجازه دهد از موشک‌های دوربرد جدید **نا تو** و هواپیماهای جنگی F-16 برای حمله به اهدافی در عمق روسیه استفاده کند. اینطور نیست که چنین حملاتی باعث تحریک انتقام جویانه اتمی روسیه شود. اما در صورت موفقیت، به راحتی می‌توان پیش بینی کرد که روسیه از طریق خرابکاری در زیرساخت‌های اروپایی به غرب ضربه خواهد زد. روس‌ها بر این باورند که تخریب خط لوله نورد استریم 2 به آنها یک حق اخلاقی و قانونی برای انجام این کار داده است.

به نظر می‌رسد که چنین عملیات خرابکارانه‌ای از قبل آغاز شده باشد، هرچند در مقیاس کوچک و به نظر می‌رسد به عنوان تیرهای هشدار دهنده به جای یک کمپین. با این حال، اگر این کار به یک کمپین تمام عیار تبدیل شود، به نوبه خود می‌تواند واکنش‌های تند غرب را به دنبال داشته باشد که منجر به چرخه‌ای از تشدید تنش شود که به فاجعه ختم می‌شود. روس‌ها همچنین معتقدند - نه بی دلیل - که مقامات اوکراینی علاقه زیادی به ایجاد چنین تنش‌هایی دارند تا ناتو را به سمت خود بیاورند. بنابراین **نا تو** باید تحت فشار قرار گیرد تا محدودیت‌هایی برای استفاده اوکراین از تسلیحات **نا تو** ایجاد کند. این واقعیت که اوکراین احساس می‌کند می‌تواند با استفاده از تسلیحات **نا تو** به خاک روسیه حمله کند، ترس روسیه را در این زمینه تشدید کرده است.

یک بار دیگر، در اینجا لازم است آنچه را که اوکراین حق انجام آن را دارد، از آنچه عاقلانه است که اوکراین انجام دهد و غرب اجازه می‌دهد، جدا کرد. زیرا باید اذعان داشت که مانند حمله به کورسک، کمپین اوکراینی برای بمباران اهداف در مسکو و

جاهای دیگر در اعماق روسیه با موشک های ناتو اساساً یک قمار است که نتیجه آن بسیار مشکوک است.

پس از شکست تهاجم سال گذشته اوکراین، دولت بایدن امید به پیروزی کامل اوکراین را رها کرد و در عوض شروع به گفتن کرد که حمایت از اوکراین برای «تقویت کیف در میز مذاکره نهایی» است. در ماه های اخیر، دولت اوکراین نیز به سمت این موضع رفته است و از خودداری قبلی خود از مذاکره با دولت پوتین و اصرار بر خروج کامل روسیه از اوکراین به عنوان پیش شرط مذاکرات با روسیه دور شده است.

مدت هاست که به طور فزاینده ای در میان کارشناسان و مقامات غربی به رسمیت شناخته شده است که در واقع غیرممکن است که اوکراین بتواند سرزمین های از دست رفته خود را از طریق پیروزی در میدان جنگ بازیابی کند. با این حال، این امر تاکنون - حتی به طور کاملاً خصوصی - به پیشنهاداتی مبنی بر اینکه اوکراین و غرب ممکن است شرایطی را پیشنهاد کنند که مردم روسیه (چه رسد به دولت) می توانند به عنوان مبنایی برای مذاکرات بپذیرند، منتهی نشده است. در این میان، شواهد نشان می دهد که این روسیه است، نه اوکراین که موقعیت نظامی خود را برای مذاکرات نهایی تقویت می کند. و اصلاً مشخص نیست که حملات اوکراین در عمق روسیه این روند را به طور قابل توجهی تغییر دهد.

این در مورد کمک های غرب نیز صادق است. حتی قبل از شکست مهیب در انتخابات محلی احزاب ائتلاف حاکم آلمان توسط آنهایی که مخالف ادامه حمایت از اوکراین بودند، دولت آلمان اعلام کرده بود که کمک های مستقیم آلمان به اوکراین تقریباً به نصف و بیش از 90 درصد در سال 2027 کاهش خواهد یافت. در آن سال، فرانسه انتخابات ریاست جمهوری برگزار خواهد کرد که در شکل کنونی به نظر می رسد که احتمالاً حزب **مارین لوپن** برنده خواهد شد - همچنین مخالف حمایت بی پایان از اوکراین. کاهش شدید کمک های اروپا به خودی خود به کمک ایالات متحده پایان نمی دهد. اما اگر بخواهد از فروپاشی بودجه و اقتصاد اوکراین جلوگیری کند، دولت ایالات متحده را تا حد زیادی مجبور می کند که این کمک ها را افزایش دهد.

بنابراین دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم زمان در این درگیری به نفع اوکراین است و به تعویق انداختن آغاز مذاکرات منطقی است. اما این بدان معنا نیست که همه کارت ها در دست روسیه است و کرملین تنها کاری که باید انجام دهد این است که منتظر فروپاشی اوکراین با شد. اقتصاد به مراتب بهتر از آن چیزی است که غرب امیدوار بود، اما خود بانک مرکزی روسیه نسبت به مشکلات جدی در سال آینده هشدار می دهد. در مورد وضعیت میدان نبرد، در حالی که سربازان اوکراینی خسته هستند، به نظر می رسد که در مورد بسیاری از نیروهای روسی نیز صادق باشد.

ارتشی که روسیه با آن این جنگ را آغاز کرد، نابود شده است. میزان دقیق تلفات مشخص نیست، اما کشته ها و معلولان تقریباً به طور قطع بیش از 200000 نفر هستند.

ناوگان دریای سیاه فلج شده است. همانطور که طرفین روسی به من اذعان کردند، روسیه احتمالاً نیروهای لازم برای تصرف شهرهای بزرگ اوکراین را ندارد، مگر اینکه رئیس جمهور پوتین موج تشدید شده ای از خدمت اجباری را راه اندازی کند - چیزی که او آشکارا تمایلی به انجام آن ندارد.

این بدان معناست که اگر بین آنچه می‌توانستند صلح معقول و ادامه جنگ تا پیروزی کامل را انتخاب کنند، به نظر می‌رسد که اکثریت روس‌ها صلح را انتخاب کنند. و بنابراین ادامه جنگ برای پوتین بسیار دشوار خواهد بود، اگر این کار به معنای سربازگیری تعداد بیشتری از پسران و شوهران روسی باشد. چنین صلح‌سازی بسیار دور از آن چیزی است که دولت‌های اوکراین و غربی امیدوارند. همچنین با آنچه پوتین در هنگام آغاز این جنگ در فوریه 2022 به آن امیدوار بود، بسیار دور خواهد بود

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

آناتول لیون مدیر برنامه اوراسیا در مؤسسه کوئینسی برای دولت‌های مسئول است. او قبلاً استاد دانشگاه جورج تاون قطر و در گروه مطالعات جنگ در کینگز کالج لندن بود.



آناتول لیون

----- با تقدیم احترامات «2024-09-08»

T

